

مفهوم‌پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی؛ ابعاد و روندها

طلعت دیبا واجاری* MSc

* دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه. بین‌المللی کردن برنامه درسی (IOC) مفهومی جدید و در حال تحول است که به‌طور ویژه از اوایل قرن بیست‌ویکم در ادبیات برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. علیرغم اهمیت و جایگاه چنین ایده‌ای، برداشت‌ها و تفسیرها از این واژه در بسیاری از ممالک به‌ویژه ایران توأم با ابهام، سردرگمی و عدم شفافیت است. مقاله حاضر در راستای بررسی این مفهوم در ادبیات برنامه درسی تلاش کرده تا برداشت‌های مختلف از این واژه و حدود و دامنه آنها را مفهوم‌پردازی کند. در این راستا، سه برداشت متفاوت از IOC (بین‌المللی کردن دروس و رشته‌های دانشگاهی، بین‌المللی کردن رشته مطالعات برنامه درسی و بین‌المللی کردن حرفه برنامه درسی) شناسایی و معنی مؤلفه‌های آنها معرفی شده است.

نتیجه‌گیری. توجه به توسعه دانش، مهارت و ارزش‌های بین‌المللی در برنامه‌های دانشگاه به‌منظور افزایش سواد بین‌المللی دانشجویان ضروری است و اشاعه برنامه‌های درسی دانشگاهی به فراتر از مرزهای جغرافیایی و تجاری‌سازی برنامه درسی و محصولات آن لازم به‌نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی آموزش عالی، بین‌المللی کردن برنامه درسی، بین‌المللی کردن مطالعات برنامه درسی، بین‌المللی کردن حرفه برنامه درسی، جهانی شدن

Conceptualizing the internationalizing of curriculum in high education; Dimensions and procedures

Diba Vajari T.* MSc

*Faculty of Psychology & Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction. Internationalizing the curriculum (IOC) is a new and evolving concept that especially has been considered in curriculum literature early 21st century. Despite the importance and status of such idea, withdrawals and interpretation of this term in many countries, especially Iran, coupled with ambiguity, confusion and lack of transparency. This paper investigated this concept in line with the literature of curriculum and tried to conceptualize different themes about this word and their limits. In this regard, 3 different themes of IOC (internationalizing the courses and academic fields, Internationalizing the curriculum studies and internationalizing the profession of curriculum) have been recognized and the mean of their components were introduced.

Conclusion. Noticing the development of knowledge, skills and international values in university programs is essential and promoting academic curriculum beyond geographical boundaries and commercializing it and its products seems necessary.

Keywords: High Education Curriculum, Curriculum Internationalizing, Curriculum Studies Internationalizing, Professional Curriculum Internationalization, Globalization

مقدمه

بین‌المللی شدن یعنی نایت مطرح کرده بسیار نافذ و اثرگذار بوده است. او بین‌المللی شدن را به شرح زیر تعریف کرده است:

"فرآیند تلفیق بُعد بین‌المللی در کارکردهای تدریس، پژوهش و خدمات یک مؤسسه آموزشی را بین‌المللی گویند"

در سال ۲۰۰۴ نایت تعریف خود را از جهانی شدن به شرح زیر مورد تجدیدنظر قرار داد:

"فرآیند تلفیق بعد بین‌المللی، بین‌فرهنگی یا جهانی در اهداف، کارکردها یا نحوه ارائه آموزش یک مؤسسه را گویند" [۳].

مزایای بین‌المللی کردن آموزش و پرورش و آموزش عالی

بررسی روندهای بین‌المللی مؤسسات آموزش عالی نشان می‌دهد که:

۱- دانشکده‌ها و دانشگاه‌های سنتی به تدریج در حال تعطیل شدن بوده و کیفیت کلی آنها در حال کاهش است.

۲- توسعه بسیار زیاد مؤسسات آموزش عالی

۳- افزایش رقابت در بین دانشگاه‌ها به‌ویژه برای جذب دانشجویان با کیفیت [۴].

استراتژی مشخص و متمایز شدن از طریق بین‌المللی شدن دارای مزایای چندی است از جمله: اول این که تقاضای زیادی برای آموزش و پرورش و آموزش عالی بین‌المللی شدن وجود دارد. کارفرمایان خواهان آنند که فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌ها برای ورود به رقابت جهانی به خوبی آماده شده باشند و برای کار در محیط چندفرهنگی و چندزبانه مشکل نداشته باشند. دانشجویان به آموزش‌هایی نیاز دارند که آنها را از سایر افراد در بازار کار متمایز کند، بنابراین بین‌المللی شدن می‌تواند به نیازهای دانشجویان پاسخ دهد و به فارغ‌التحصیلان کمک کند تا در یک محیط کاری که به‌طور فزاینده‌ای جهانی می‌شود، به رقابت بپردازد [۵].

دوم این که بین‌المللی شدن با سیاست‌های جدید نظام‌های آموزشی که دانشگاه‌ها را تشویق به گنجانیدن مؤلفه‌های بین‌المللی در فعالیت-هایشان می‌کند، سازگار است. روند عمومی بیانگر آن است که در صورتی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بعد بین‌المللی را تدریس، پژوهش و ارائه خدمات مدنظر قرار دهند، بیشتر مورد حمایت مدیران و مقامات نظام‌های آموزشی قرار می‌گیرند [۴].

سوم این که بین‌المللی سازی درآمد بیشتری را به همراه دارد. امروزه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی برای تحت پوشش قراردادن دانشجویان بیشتر از لحاظ محلی و ملی و بین‌المللی رقابت و تلاش می‌کنند. خلق و حفظ نوعی تصویر و وجهه‌ای خوب در بازار آموزش عالی به‌عنوان یک مؤسسه بین‌المللی می‌تواند منجر به جذب دانشجوی بیشتر و در نتیجه درآمد بیشتر شود [۶].

اساساً امروزه همگی بر این امر توافق دارند که دانشجویان با بررسی محیط جهانی در قرن بیست و یکم آماده شوند و هم از این رو دانشگاه‌ها اگر خواهان دوام و استمرار در بازار جهانی آموزش عالی هستند باید

جهانی شدن تأثیر شگرفی بر تمامی ابعاد زندگی آدمی، به‌ویژه آموزش و پرورش در کلیه سطوح از ابتدایی تا آموزش عالی داشته است. به‌نحوی که چهره نظام‌های آموزشی در سراسر جهان تغییر کرده و اندیشه‌های سنتی و رایج درباره تعلیم و تربیت و ابزارها و رسانه‌های آموزشی به-سرعت رنگ باخته و جای خود را به اندیشه‌ها و روش‌های نوین داده است.

در این میان جهانی شدن موجد طرح مباحث و الگوهای جدیدی در عرصه تعلیم و تربیت بوده است که به‌ویژه در بستر آموزش عالی با مفاهیمی چون بین‌المللی کردن آموزش عالی آموزش چندفرهنگی و مانند آن مطرح شده است و اگرچه به ظاهر مفهوم بین‌المللی شدن آموزش عالی مفهومی نویدبخش و بیانگر تعاملات گسترده در عرصه نظام‌های آموزش عالی است، ورود این مفهوم به ادبیات حوزه برنامه درسی آموزش عالی، تعبیر و تفسیرهای مختلفی را به‌همراه داشته است که به‌ندرت مورد تبیین و کالبدشکافی نظام‌دار قرار گرفته است. به عبارت روشن‌تر در این عرصه نظریه‌پردازی و تبیین مفهومی آن‌طور که باید مورد توجه جدی قرار نگرفته و نوعی خلأ برای شناخت این مفهوم احساس می‌شود. مقاله حاضر با درک اهمیت و ضرورت موضوع تلاش نموده است تا به‌عنوان تلاش مقدماتی، این عرصه از فعالیت‌ها و دغدغه‌های برنامه درسی را مورد نقد و تبیین قرار دهد و آن را به-صورت نظام‌دار معرفی نماید. در این راستا ابتدا ضمن تعریف بین-المللی کردن و بین‌المللی کردن آموزش عالی، برداشت‌های مختلف از برنامه درسی بیان و براساس آن بین‌المللی کردن برنامه درسی مورد کالبدشکافی و تبیین قرار می‌گیرد.

تعریف بین‌المللی کردن برنامه درسی

برای فهم بهتر IOC ضروری است ارتباط مفاهیمی چون جهانی شدن و بین‌المللی کردن را روشن کنیم. جهانی شدن عموماً به‌عنوان فرآیندهای پیچیده‌ای تعریف می‌شود که دربردارنده جریان جهانی «افراد و کالاها»، «ایده‌ها و ایدئولوژی‌ها»، «برداشت‌ها و پیام‌ها» و «سرمایه و فناوری‌ها» می‌باشد [۱].

از نظر گیلنر (۱۹۹۰) جهانی شدن عبارت است از افزایش روابط اجتماعی در سطح جهانی به‌نحوی که جوامع محلی دور از هم به گونه‌ای به‌هم متصل شوند که اتفاقات محلی تحت تأثیر حوادثی که در فرسنگ‌ها دورتر اتفاق افتاده‌اند، به وقوع بپیوندند و برعکس.

این افزایش ارتباطات جهانی باعث شده است تا نظام‌های آموزشی در سطح کشورهای مختلف جهان در وضعیتی قرار گیرند که در آن دانشجویان، اساتید و مدیران در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت مشغول فعالیت باشند [۲].

مفهوم جهانی شدن معمولاً با مفهوم بین‌المللی کردن یکی فرض نمی‌شود. در سپهر تعلیم و تربیت، تعریفی که صاحب‌نظران برجسته حوزه

آن را از سایر رشته‌های تعلیم و تربیت جدا می‌کند. این رشته دارای بدنه دانشی (Body Of knowledge) و فعالیت‌های عملی مشخصی است که در طول سالیان سال شکل گرفته و به تدریج یک رشته مطالعاتی را با هویتی قابل تمیز و تعریف شکل داده است [۱۰].

اساساً دانش رسمی که به‌وسیله رشته‌های علمی خلق می‌شوند ماهیت اصلی هر رشته را تشکیل می‌دهد. در اصل دانش در قالب رشته‌ها و حوزه‌ها سازمان‌دهی می‌شود. برای مثال برنامه درسی رشته‌ای از حوزه تعلیم و تربیت است. کار اصلی یک رشته عبارت است از خلق و انباشت دانش مفید برای حل مسائل، تلاش برای خلق دانش بیشتر و به‌پیش بردن پژوهش برای کشف حقایق [۱۱]. این کار در حقیقت بیانگر چرخه تولید و استفاده از دانش است. ساختار رشته‌ای ۶ مفهومی است که می‌تواند به فهم دانش سازمان‌یافته و عمل در یک رشته تخصصی کمک کند. به عبارت روشن‌تر ساختار رشته‌ای می‌تواند به فهم محتوای برنامه درسی، مواضع و دیدگاه‌های موجود در این رشته، چشم‌اندازها و نیز سنت‌ها و روش‌های پژوهشی در این رشته کمک نماید [۱۲].

با این همه واقعیت این است که برنامه درسی اگرچه رشته‌ای در حال تحول و جوان است [۱۳] و در آن جهت‌گیری‌های متفاوتی مطرح شده است که به‌ویژه در دهه‌های اخیر از لحاظ نظری و مفهومی آن را با تغییرات گسترده‌ای مواجه کرده است [۱۴]. اما همین امر بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در سطح جهان (نه فقط زادگاه اصلی آن یعنی امریکای شمالی) برای نظریه‌پردازی و توسعه ساختار دانشی و عمل رشته را ضروری می‌سازد. مفهومی که از آن تحت عنوان بین‌المللی کردن مطالعات برنامه درسی نام برده می‌شود [۱۵].

۳- برنامه درسی به عنوان یک حرفه

برداشت سوم که تا حد زیادی تعریفی در حال ظهور و جدید از برنامه درسی است، بیانگر توجه به فعالیت‌های عملی و کار حرفه‌ای در عرصه برنامه درسی است. اساساً واژه حرفه‌ای که معادل واژه‌هایی چون کار، شغل و واژه‌هایی مانند آن مدنظر قرار می‌گیرد عبارت است از شغلی که در آن یک نفر شاغل دارای دانش تخصصی در ارتباط با ساختن، هدایت کردن و یا مشورت دادن به دیگران در یک زمینه معین است.

اساساً حرفه‌ای بودن به‌معنای انجام یک فعالیت خاص به‌منظور ایجاد درآمد از طریق ارائه خدمات تخصصی است. از این‌رو حرفه‌ای بودن به‌معنای مسلط بودن از طریق طی آموزش و یا تجربه و یا هر دوی آنها است و در مقابل آماتور بودن قرار می‌گیرد که فرد کاری را برای لذت بردن انجام می‌دهد تا درآمدزایی. با این تعریف برخی از محققان [۱۶] تلاش کرده‌اند تا قلمرو برنامه درسی را به‌عنوان یک حرفه نیز مورد توجه قرار دهند. اساساً کسانی که به کار حرفه‌ای در زمینه برنامه درسی می‌پردازند باید دارای دانش تخصصی و تجربیات ارزنده‌ای برای انجام این کار باشند. این افراد می‌توانند طیف وسیعی از مشاغل را دربرگیرند. برای مثال در یک طبقه‌بندی کلی شاغلان برنامه درسی

تجربیات دانشجویان و اساتید را در قالب برنامه‌های درسی با مباحث بین‌المللی تلفیق کنند.

با افزایش شرکت‌های چندملیتی و رشد میزان همکاری بین‌ملتها و کشورها، کارگران باید روندها، تحولات و شرایط جهانی را به خوبی درک کنند [۷].

مک لوقلین یکی از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی، هدف اصلی بین‌المللی سازی آموزش عالی را عبارت می‌داند از افزایش توانایی‌های دانشجویان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل مربوط به شغل به‌گونه‌ای که منعکس‌کننده دانش آنها نسبت به سایر فرهنگ‌ها و احترام به آنها باشند [۸].

برداشت‌های مختلف از مفهوم برنامه درسی

به‌عنوان یک متغیر اساسی و زیربنا در مقاله حاضر، بین‌المللی کردن مطالعات برنامه درسی به‌عنوان تابعی از برداشت مورد توجه از برنامه درسی مدنظر قرار می‌گیرد. به‌عبارت روشن‌تر، بسته به این که چه برداشتی از واژه برنامه درسی یا Curriculum داشته باشیم، بین‌المللی کردن آن نیز متفاوت خواهد بود. علی‌رغم این که برداشت‌های بسیار متنوع از برنامه درسی ارائه شده است برای مثال نگاه کنید به [۹]، آن دسته از برداشت‌هایی که عملاً در حیطه بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی مورد توجه و عنایت قرار گرفته و تلاش‌های چندی را به خود مشغول کرده است را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- برنامه درسی به عنوان یک طرح (Curriculum as a plan) (درس، دروس و یا رشته)

در این برداشت برنامه درسی عبارت است از طرحی برای یک درس، مجموعه‌ای از دروس و یا یک رشته دانشگاهی. در این تعریف برنامه درسی به عنوان سند (Document) و یا دستور کار و نقشه ای (Blue print) در نظر گرفته می‌شود که مؤلفه‌ها و اجزای مختلف یک درس، دروس یا رشته دانشگاهی را به تفصیل و به‌طور مستند نشان می‌دهد. بنابراین عناصری چون اهداف، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی و مانند آن در یک درس خاص یا رشته دانشگاهی مراد اصلی از برنامه‌ریزی و اجزای آن را تشکیل می‌دهد.

در چنین برداشتی، مراد از بین‌المللی کردن برنامه درسی، دادن هویتی فراملیتی و بین‌المللی به برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها و طرح و ترویج آنها به فراتر از مرزهای جغرافیایی است. گاهی اوقات نیز می‌تواند به معنای گنجانیدن جهت‌گیری‌های بین‌المللی در برنامه‌های درسی موجود مدنظر باشد.

۲- برنامه درسی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی یا حوزه دانش پژوهانه در برداشت دوم که به‌ویژه در دهه اخیر از سوی دانشمندان بین‌المللی کردن برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است تلقی برنامه درسی به‌عنوان یک رشته یا رشته‌ای تحت عنوان مطالعات برنامه درسی (Curriculum Studies) است. در اینجا برنامه درسی به عنوان رشته تخصصی تلقی می‌شود که دارای مرزها و حدود معینی است که

نقشی اساسی در آماده‌سازی افراد برای آینده‌شان در یک دنیای بسیار مرتبط، به هم متصل و جهانی شده ایفا می‌کند [۷].

در چنین وضعیتی، فارغ‌التحصیلان نیاز به مهارت‌های جدیدی دارند. آنها باید بتوانند با فرهنگ ناآشنا سازگار شوند و در محیطی که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی متنوع است، فعالیت نمایند، به تفاوت‌های بین افراد از لحاظ فرهنگ، آداب و رسوم و جنسیت احترام قایل شوند و نهایتاً قادر باشند در یک جامعه بین‌المللی بطور مؤثر و رضایت بخشی کار نمایند [۱۸].

اهداف اصلی بین‌المللی کردن برنامه درسی را از این منظر می‌توان مشتمل بر موارد زیر دانست:

۱- آماده‌سازی دانشجویان برای مواجهه با واقعیت‌های جهانی مهم و وابسته از جمله فعالیت در محیطی رقابتی در سطح بین‌المللی
 ۲- افزایش درک و فهم دانشجویان از فرهنگ، مذاهب و نظام سیاسی خود و سایر ملل.
 ۳- توسعه بینش و دیدگاهی جهانی و کل‌گرایانه نسبت به جامعه جهانی و نیز تجهیز آنها به مهارت‌های ضروری جهت انجام قضاوت-های آگاهانه نسبت به مسائل جهان معاصر و نقش کشور آنها در این جهان.

۴- و ارتقای صلح جهانی [۱۹].

در این برداشت روش‌های مختلفی برای بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از القای یا لحاظ کردن، اضافه کردن دروس بین‌المللی و ایجاد یک دوره تخصصی منظور از لحاظ کردن یا القای عبارت است از گنجاندن جنبه‌های بین-المللی در موضوعات و عناوین درسی موجود، فیلم‌ها، ویدئوها، مطالعات موردی و فعالیت‌های جنبی. گنجاندن یا لحاظ کردن در برنامه درسی به معنای طرح و بنیان چشم‌اندازها و موضوعات بین‌المللی در دروس و کلاس‌های موجود یا جدید از طریق اصلاح در برنامه درسی، فعالیت-های درسی و یا قراردادن آن در مرکز ثقل تدریس. اصلاحات برنامه درسی از این نوع بر این نکته اصرار دارد که کارکنان و دانشجویان از وضعیت فرهنگی خود فراتر رفته و از فرهنگ‌های سایر ملل آگاهی یافته و نسبت به آنها حساس باشند. اساتید می‌توانند به‌گونه‌ای آموزش ببینند که مباحث و مواد بین‌المللی را به‌طور حداقل در تدریس پوشش دهند.

در مقایسه با سایر روش‌های بین‌المللی کردن برنامه درسی، ضعف رویکرد لحاظ کردن عبارتند از این‌که این روش درک و فهم یا مهارت‌های بین‌المللی را آن‌طور که باید توسعه نمی‌دهد. بسیاری از مباحث بین‌المللی را نمی‌توان به‌طور منطقی و یا به آسانی در قالب دروس موجود مطرح کرد و سرانجام این‌که اجرای آن مستلزم آن است که اساتید دارای گرایش بین‌المللی بسیار وسیع و عمیق باشند [۴].

از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد که حضور و طرح ساده مباحث بین‌المللی در قالب فهرست رئوس مطالب دروس، ایجاد آگاهی و حساسیت بین‌المللی در بین دانشجویان تضمین نمی‌کند [۲۰].

شامل متخصصان برنامه درسی، کارشناسان برنامه درسی و معلمان هستند که مورد اخیر را گاهی به‌عنوان مجریان می‌شناسند [۸].

اساساً حوزه قدرت و اختیارات و مسئولیت‌های افراد شاغل در کار برنامه درسی متفاوت است. برای مثال اختیارات و مسئولیت‌های اساتید برنامه درسی متفاوت از کارشناسان و یا معلمان است. علاوه بر این افراد دیگری نیز هستند که با برنامه‌ریزی درسی سروکار دارند نظیر کارکنان مدرسه، رؤسای مدارس یا دانشگاه‌ها، مشاوران علمی و ... نکته قابل توجه در این برداشت‌ها عبارت است از این‌که آیا می‌توان برای افراد حرفه‌ای برنامه درسی نیز هویتی بین‌المللی و فراملیتی قایل شد؟

بین‌المللی کردن طرح برنامه درسی

همان‌طور که گفته شد، در اولین برداشت از بین‌المللی کردن برنامه درسی، مراد از برنامه درسی طرح یک درس یا دوره آموزشی در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است. به‌طور کلی براساس اسناد و منابع در دسترس [۱۷] این برداشت از بین‌المللی کردن برنامه درسی به دو معنای کلی اشاره دارد:

الف) بین‌المللی کردن برنامه درسی به معنای تلفیق و لحاظ کردن دیدگاه و چشم‌انداز بین‌المللی در برنامه‌های درسی موجود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. در چنین وضعیتی تلاش عمده بر آن است تا جهت‌گیری‌های کلی برای پرورش دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها در ارتباط با جهانی شدن در دانشجویان ایجاد شود و در این راستا، از فرصت‌های موجود در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها استفاده مؤثر به عمل آید. مفهوم اصلی پشتیبان این دیدگاه، نوعاً تحت عنوان پرورش سواد بین‌المللی است که به موجب آن هدف اصلی برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی، تربیت شهروند جهانی است.

اساساً بین‌المللی شدن هدف اصلی بسیاری از نظام‌های آموزشی در سراسر جهان است. در این زمینه دو دسته فعالیت برای تحقق چنین هدفی باید دنبال شوند. این دو دسته فعالیت عبارتند از مبادله وسیع استاد و دانشجو و بین‌المللی کردن پردیس دانشگاه. این فعالیت‌ها با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند. هدف برنامه‌های همکاری بین‌المللی عبارت است از خلق و ایجاد فرصت‌های دانشجویان جهت رشد و توسعه اجتماعی و حرفه‌ای، ایجاد بینش و نگرش بین‌المللی در دانشجویان و ایجاد ارزش و اعتبار بیشتر برای رشته‌های علمی از طریق پژوهش‌های مشترک.

بین‌المللی کردن پردیس دانشگاه شامل بین‌المللی کردن برنامه درسی، رویکردهای پداگوژیکی، فعالیت‌های اجتماعی بین‌فرهنگی و افزایش آگاهی و بینش فرهنگی دانشجویان، اساتید و کارکنان است.

اهداف اصلی بین‌المللی کردن برنامه درسی

انقلاب در ارتباطات و فن‌آوری از طریق به‌وجود آوردن یک دنیای مرتبط مهم را به‌وجود آورده که در آن نقل و انتقالات با سرعتی شتابان انجام می‌شود. در چنین شرایطی آموزش و پرورش (عالی)

دانشکده‌ها باید دروس اساسی را که دارای جهت‌گیری بین‌المللی هستند به دانشجویان خود عرضه کنند [۴].

ب) بین‌المللی کردن برنامه درسی ارایه دروس و دوره‌های آموزش دانشگاهی به فراتر از مرزهای یک کشور: در این‌جا منظور از بین‌المللی کردن برنامه درسی عبارت است از دادن هویتی بین‌المللی به دروس و رشته‌های دانشگاهی از طریق آموزش و ترویج برنامه‌های درسی به فراسوی مرزهای جغرافیایی و تلقی مردمان کشورهای مختلف جهان به‌عنوان شهروندان جامعه جهانی.

اساساً بین‌المللی کردن برنامه درسی در این دیدگاه در قالب مراحل زیر شکل گرفته است:

۱- بین‌المللی کردن از طریق پذیرش دانشجوی خارجی و اجرای برنامه‌های درسی برای دانشجویان بین‌المللی که در آن مباحث چند-فرهنگی و چالش‌های مرتبط با آن در برنامه‌ریزی درسی مطرح می‌شود. بین‌المللی کردن مفهومی در حال تکامل است که به‌طور سنتی با جابجایی دانشجویان در بین کشورهای مختلف به‌منظور تحلیل، متصل شده است. طی دو دهه گذشته (از ۱۹۹۵) این جابجایی به‌دلیل افزایش تقاضا برای آموزش عالی در دانشگاه‌های سراسر دنیا رشد چشمگیری داشته است، در بعضی کشورها هزینه‌های پرداختی توسط دانشجویان بین‌المللی به‌عنوان روشی جهت کاهش هزینه‌های دولتی به‌حساب می‌آید.

۲- بین‌المللی کردن از طریق تأسیس واحدهای مختلف در کشورهای مختلف جهان و اجرای برنامه‌های درسی متناسب با نیازها و مسائل بومی مخاطبان در کشور میزبان که در آن مسائلی چون چالش‌های فرهنگی، خصوصی‌سازی آموزش عالی و تأمین منابع مالی و... مطرح می‌شوند.

۳- بین‌المللی کردن در منزل که در آن نظام آموزشی از راه دور و برنامه‌های درسی مجازی برای دسترسی به مخاطبان بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شود. در این نوع از IOC، تلقی مخاطبان در سطح بین‌المللی به‌عنوان شهروندان جهانی و ضرورت ارایه آموزش‌های لازم به آنان مدنظر قرار می‌گیرد.

بین‌المللی کردن رشته‌ها، برنامه‌ها و محتوا

این بُعد به‌طور ویژه بر بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی متمرکز است. مهم‌ترین رشته‌هایی که اغلب به‌عنوان رشته‌های پرتطرف‌دار و مورد تقاضا در بین‌المللی شدن مطرح هستند ۷ مورد به شرح زیر است:

- ۱- مدیریت بازرگانی
- ۲- علوم اجتماعی
- ۳- علوم بهداشتی
- ۴- علوم انسانی و هنر
- ۵- علوم طبیعی
- ۶- مهندسی
- ۷- تکنولوژی اطلاعات

موفقیت و اثربخشی این روش بسته به مواردی چون میزان زمان صرف‌شده برای طرح مباحث بین‌المللی در تدریس و برنامه درسی، کیفیت آموزش و میزان عمق یا ژرفای مباحثی که در آن مسائل بین-المللی مورد بحث قرار می‌گیرد، دارد.

برای پوشش دادن عمیق به محتوای بین‌المللی در برنامه درسی، روش مناسب‌تر عبارت است از اضافه کردن دروس بین‌المللی. طراحی و تدریس یک درس کامل در زمینه امور بین‌المللی می‌تواند درک و فهم جهانی را در تمام موضوعات بین‌المللی مربوط به یک رشته، ارتباط آنها با هم و تأثیر آنها بر آنچه که در سطح جهان اتفاق می‌افتد در دانشجویان پرورش و توسعه دهد. اساتید و دانشجویان زمان و منابع بیشتری برای درک و کشف ابعاد و پیچیدگی‌های بین‌المللی در رشته خود را دارند. *آسپان* می‌گوید اگر هدف اصلی، ایجاد حداقل درک و فهم از بین‌المللی شدن باشد، دست‌کم دو یا چند درس در زمینه بین-المللی ضروری است. طراحی و اجرای یک دوره تخصصی بین‌المللی نیازمند توجه به ملاحظات برنامه‌ای و اداری است و ظاهراً نمی‌تواند گزینه خوبی برای افزایش آگاهی و درک و فهم جهانی در بین دانشجویان باشد.

هدف نهایی در برنامه درسی بین‌المللی شده عبارت است از ایجاد دوره‌های تحصیلی در زمینه مطالعات بین‌المللی، مطالعات چندفرهنگی، مطالعات بین‌فرهنگی، تجارت بین‌المللی، مطالعات بازاریابی بین‌المللی و... این دوره‌های تحصیلی بین‌المللی در رشته‌های مختلف شامل مجموعه‌ای از دروس اصلی اجباری، از جمله زبان خارجی، و نیز مجموعه‌ای از دروس انتخابی در زمینه مباحث بین‌المللی در رشته ذی-ربط است که به دانشجویان اجازه می‌دهد تا در کلاس‌های مربوط به مسائل بین‌المللی در رشته‌های مختلف شرکت کنند و از این ره‌گذر با مجموعه‌ای از دانش مربوط به سواد بین‌المللی آشنا شوند. این برنامه‌ها می‌توانند در یک دیپارتمان خاصی (نظیر مطالعات بین‌المللی، ارتباط بین‌فرهنگی، تجارت بین‌المللی و امثالهم) اجرا شوند اما اغلب بخشی از یک دیپارتمان یا دانشکده تخصصی خاصی نظیر دانشکده اقتصاد یا علوم تربیتی است.

بسیاری از دوره‌ها دربردارنده دروس تکمیلی در زمینه کلاس‌های آموزش عمومی که دارای جهت‌گیری‌های بین‌المللی است می‌باشند. این دوره‌ها اغلب دروس عمومی را دربرمی‌گیرند که برای فراغت از تحصیل اجباری هستند. این دروس گاهی اوقات در دانشکده‌ها و مراکز آموزشی خاصی ارایه می‌شوند و دروس طی‌شده در دانشگاه‌ها مورد قبول هستند.

طبیعی است که در بین سه روش برنامه درسی، هیچ‌کدام از آنها بر بقیه رجحان و برتری ندارند. هر یک از آنها دارای معایب و محاسنی هستند و دست‌یابی به اهداف مختلف را تسهیل می‌کنند. بنابراین هر مؤسسه باید در انتخاب یک روش مناسب شرایط و محدودیت‌های خود را مدنظر قرار دهد. اگرچه برای هر یک از دروس و کلاس‌ها ضروری است تا برنامه‌های درسی خود را بین‌المللی کنند، به همان‌سان

جدول ۱، رشته‌های اصلی را که در سطح دانشگاهی عمدتاً بین‌المللی شده‌اند در مناطق مختلف دنیا نشان می‌دهد.

جدول ۱) رشته‌های اصلی بین‌المللی شده در مناطق مختلف جهان

مهندسی	علوم طبیعی و هنر	علوم انسانی فن آوری	مدیریت	علوم اجتماعی	علوم بهداشتی
آفریقا		۲	۳	۱	
آسیا		۳	۲	۱	
اروپا	۱	۲	۳	۱	
آمریکای لاتین	۳		۱	۲	۱
خاورمیانه	۲	۳			۳
آمریکای شمالی	۲		۱		

جدول ۲) منافع حاصل از بین‌المللی شدن بر اساس اولویت برای مناطق مختلف

منافع ← مناطق ↓	رشد و بالندگی دانشجویان، کارکنان و اساتید	تدریس و بهبود یادگیری	ارتقای پژوهش پذیري سازی	رقابت شبکه ارتقای فرهنگی و استانداردها	رعایت کیفیت
آفریقا		۲	۱	۳	
آسیا	۱	۳	۲		
اروپا	۳		۲	۱	۱
آمریکای لاتین	۲		۱		۳
خاور میانه	۳		۲		۱
آمریکای شمالی	۱		۲	۳	

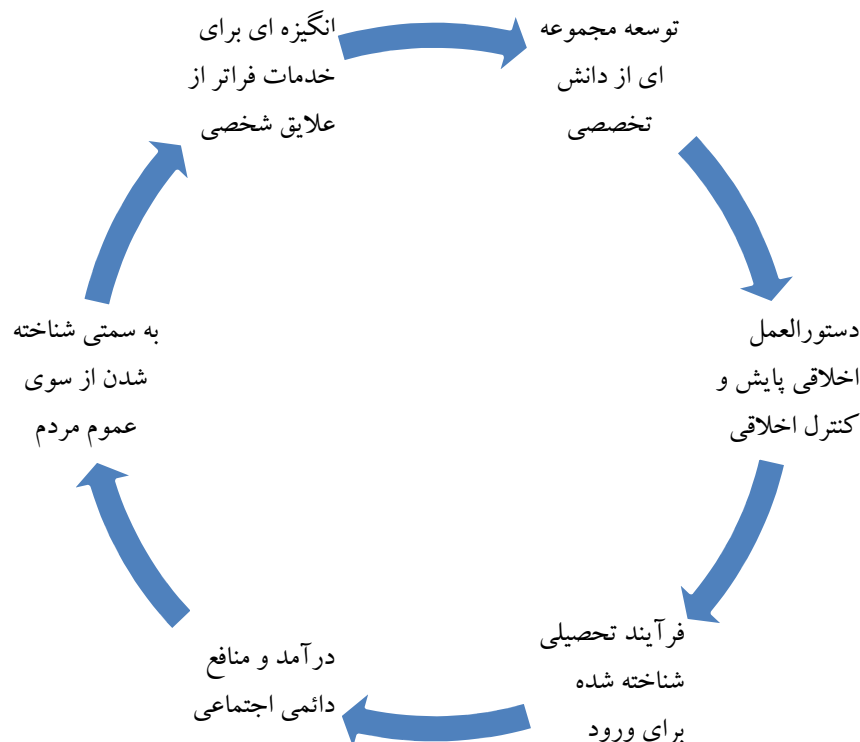
جدول ۳) مخاطرات حاصل از بین‌المللی شدن بر اساس اولویت برای مناطق مختلف

مخاطرات ← مناطق ↓	فرار مغزها	از دست دادن هویت فرهنگی	هزینه‌های زیادتر	ارایه برنامه‌ها به زبان انگلیسی	هیچ خطری وجود ندارد
آفریقا	۱	۲			
آسیا			۱	۲	
اروپا	۱			۲	
آمریکای لاتین	۲	۱			
خاور میانه	۱	۲			
آمریکای شمالی	۲		۱		

موانع بین‌المللی سازی

- ۵- عدم تأیید و به رسمیت نشناختن فعالیت‌های انجام شده در خارج از کشور
- ۶- در دسترس نبودن اطلاعات قابل اتکا و جامع
- ۷- در دسترس نبودن فرصت‌ها
- ۸- درک و فهم ناکافی از واقعیت بین‌المللی شدن
- ۹- در دسترس نبودن نیروها و کارکنان ذی‌صلاح و آموزش‌دیده برای هدایت فرآیند بین‌المللی سازی
- چارت زیر این امر را نشان می‌دهد.

- مطالعات و پژوهش‌های مختلف، موانع گوناگون را برای اجرای مؤثر بین‌المللی سازی شناسایی کرده‌اند. این موانع عبارتند از:
- ۱- فقدان سیاست‌ها یا استراتژی‌های روشن برای تسهیل فرآیند بین‌المللی سازی
 - ۲- فقدان حمایت‌ها در زمینه منابع مالی
 - ۳- مسائل و مشکلات اداری
 - ۴- وجود اولویت‌های دیگر در مقایسه با بین‌المللی سازی



شکل ۱) راهنمای تبیین‌کننده حرفه

درسی حائز اهمیت است. برنامه‌های مختلفی باید برای کمک به اعضای هیأت‌علمی در بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی طراحی و به مرحله اجرا گذاشته شود.

به عبارت دیگر بین‌المللی کردن برنامه مستلزم تلاشی برای تدارک فرصت‌های لازم برای توسعه و بالندگی اعضای هیأت‌علمی است تا از این رهگذر تخصص و دانش بین‌المللی اساتید افزایش یافته و انگیزه-هایی برای گنجاندن تجربیات و ابعاد بین‌المللی در تدریس، پژوهش و ارائه خدمات مدنظر قرار گیرد تا الزامات و تنبیهات برای اقدام نکردن در این زمینه. اساتید و معلمان قبل از آن که بتوانند بر دانشجویان و یادگیرندگان در زمینه گرایش مثبت به بین‌المللی سازی اثر بگذارند، خود نیازمند به تجربیات و اطلاعات بین‌المللی هستند. در بسیاری از کشورها، اساتید برای دریافت مدارک تحصیلی خود در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند و این امر آنها را قادر می‌سازد تا دروس خود را با توجه به ابعاد بین‌المللی ارائه کنند. با این‌همه بسیاری دیگر از اساتید نیز خود دارای تحصیلات بین‌المللی نیستند. از این‌رو مؤسسات مختلف باید فرصت‌هایی را برای توسعه و بالندگی اعضای هیأت‌علمی فراهم کنند. در این راستا برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا سمینارها در خصوص موضوعات و مباحث بین‌المللی، پژوهش‌های مشارکتی بین-المللی و دعوت از اساتید مهمان به‌صورت فرصت مطالعاتی از سایر ممالک از جمله اقدامات مؤثر است.

منافع و مخاطرات

پژوهش‌ها و مطالعات نشان داده‌اند که اساساً منافع حاصل از بین‌المللی را می‌توان در قالب ۷ طبقه کلی دسته‌بندی کرد. جدول ۲ این مهم را نشان می‌دهد.

توجه به این نکته بسیار جالب به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین منفعت حاصل در بین‌المللی سازی آموزش عالی برای ۵ منطقه از ۶ منطقه فوق‌الذکر عبارت است از رشد و بالندگی استادان، دانشجویان و کارکنان به‌عبارت روشن‌تر دانشگاه‌ها بیشتر به توسعه منابع انسانی علاقمند بوده‌اند تا رشد و توسعه اقتصادی. مخاطرات عمده حاصل از بین‌المللی سازی نیز در جدول ۳ گزارش شده است.

رویکردهای توسعه اعضای هیأت‌علمی

بیشتر تلاش‌های انجام‌شده در عرصه بین‌المللی کردن برنامه درسی متمرکز بر مسائل مرتبط با موضوع محتوا بوده است. با این‌همه بین-المللی کردن برنامه درسی با تمرکز بر مؤلفه محتوا به‌تنهایی نمی‌تواند ایجاد آگاهی و حساسیت در دانشجویان نسبت به مسائل بین‌المللی را تضمین کند. از این‌رو ضروری است تا مفهوم‌پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی نه تنها محتوای برنامه درسی بلکه فرآیند تربیتی را نیز دربرگیرد [۱۱]. از این‌رو میزان آگاهی اعضای هیأت‌علمی هم از مسائل جهانی و هم در فرآیند تربیتی در اجرای بین‌المللی کردن برنامه

تعارض و مقاومت پیش‌بینی شده

موفقیت در هر کار جدید به توانایی ایجاد توافق در کلیه شرکت-کنندگان در آن فرآیند بستگی دارد. هر تغییر سازمانی نیازمند حرکت از وضعیت شناخته‌شده به وضعیت ناشناخته است. شکی نیست که تغییرات ایجاد ابهام، سردرگمی، به‌وجود آمدن تعارض و به چالش کشیدن توانایی‌ها را به همراه دارد [۲۱] از آنجا که تغییر، آینده را غیرمطمئن می‌سازد و بر صلاحیت‌ها، ارزش‌ها و توانایی‌های افراد اثر می‌گذارد، اعضای سازمان‌ها عموماً از تغییر حمایت نمی‌کنند مگر آن‌که دلایل قانع‌کننده‌ای آنها را متقاعد به انجام این کار کند.

در زمینه بین‌المللی کردن برنامه درسی مواردی چند در این راستا وجود دارد. اول آن‌که بین‌المللی کردن برنامه درسی باعث می‌شود تا افراد نسبت به توانایی‌هایشان شک کنند و اعتمادبه‌نفس خود را در محیط کار از دست بدهند. افراد به‌ویژه هنگامی که احساس کنند برای تحقق آن‌چه که در برنامه جدید از آنها انتظار می‌رود، مشکل دارند، در مقابل آن مقاومت می‌کنند [۲۲]. همان‌طور که قبلاً گفته شد بین‌المللی کردن برنامه درسی علاوه بر محتوا، مستلزم توجه به فرآیندهای تربیتی است. از این‌رو برای تشویق عاملان اصل تغییر (اساتید) باید به آنها اطمینان داد که دانشگاه‌ها دوره‌های آموزشی کافی را برای آنان جهت کسب دانش و مهارت‌های جدید برگزار خواهد کرد.

دوم آن‌که بین‌المللی کردن برنامه درسی ابهام، سردرگمی و عدم قطعیت به‌وجود می‌آورد و در نتیجه می‌تواند ناامیدی و اضطراب ایجاد کند. هر نیروی تغییر می‌تواند در کارکنان، افسردگی و ناامیدی ایجاد کرده و موجب بروز رفتاری نامطلوب گردد [۱۴].

سوم آن‌که معمولاً خطمشی‌ها و سیاست‌های آموزشی در بسیاری ممالک به‌ویژه جهان سوم بی‌ثبات است و همراه با تغییر مدیران، دست‌خوش تحول می‌شود. از این‌رو هنگامی که بین‌المللی سازی سیاست یک وزارتخانه یا دانشگاه اعلام می‌شود، این ذهنیت در برخی از اساتید ممکن است ایجاد شود که این امر، سیاستی زودگذر و بی‌دوام است [۱۵] از این‌رو به‌ویژه اساتید ممکن است درخصوص کمک به این ابتکارات و نوآوری‌های ابلاغی دولت و دانشگاه‌ها متفاوت نشان دهند.

و سرانجام این‌که بین‌المللی سازی برنامه درسی می‌تواند منجر به تعارضات بین‌گروهی شود. مهم‌ترین تعارضات بین‌گروهی ناشی از رقابت برای دستیابی به منابع، تفاوت‌های فرهنگی و شکاف‌های قدرت است [۱۶]. رای برخی از اساتید که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند نسبت به آنهایی که از داخل کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند بین-المللی سازی امتیازات بیشتری به‌همراه دارد. استراتژی مدیریت تعارض برای ایجاد مشارکت تحقق اهداف سازمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

رویکردهای IOC

در ارتباط با این‌که چگونه مؤسسات مختلف به تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در عرصه بین‌المللی شدن پاسخ

داده‌اند، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. در این راستا، رویکردهای عمده بین‌المللی کردن برنامه درسی را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.

۱- رویکرد اقتصادی-منطقی

از این رویکرد اغلب به‌عنوان رویکردی از بین‌المللی سازی نام برده می‌شود که درصدد تولید منافع یا به‌عبارت روشن‌تر جذب دانشجویان بین‌المللی بیشتر است. ایده اصلی در این‌جا آن است که هر چقدر دانشجوی خارجی بیشتر جذب شود، شهریه بیشتری دریافت می‌شود و در نتیجه نیاز کمتر به حمایت و سرمایه‌گذاری دولت در آموزش عالی وجود دارد.

از این‌رو این تمایل جدی در مؤسسات آموزش عالی وجود دارد تا دانشجویانی که شهریه پرداخت می‌کنند را به‌عنوان مشتریان یا مصرف‌کنندگان تجارت جهانی دانشگاه‌ها قلمداد کنند و حتی دانشجویان بین‌المللی را در گفتمان‌های جهانی‌سازی اقتصادی کالاهای تجاری بنامند [۲۲]. در این رویکرد ایده اصلی آن است که برنامه درسی باید برای تمام دانشجویان به‌صورت استاندارد باشد.

استانداردسازی برنامه‌های درسی برای دانشجویان ممالک مختلف به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا بتوانند در بازار آموزش عالی جهانی با سایر دانشگاه‌ها رقابت کنند.

نتیجه نهایی این فرآیند عبارت است از کاهش و یا ازدست‌رفتن استقلال آکادمیک به معرفی و اجرای برنامه درسی در سرتاسر دانشگاه و شعب و دوایر آن در کشورهای مختلف جهان.

۲- رویکرد تلفیقی

این رویکرد به‌طور بسیار گسترده‌ای توسط دانشگاه‌های استرالیا، کانادا و کشورهای مهاجرپذیر، به‌کار گرفته شده است به شدت متأثر از برداشت مطرح شده از بین‌المللی کردن که توسط نایت ارایه شده است، می‌باشد. همان‌طور که قبلاً گفته شد بین‌المللی کردن در این برداشت عبارت است از تلفیق چشم‌اندازها و ابعاد بین‌فرهنگی در برنامه درسی موجود می‌باشد [۳]. در این رویکرد نقش تعریف شده و مشخصی برای اساتید و کارکنان دانشگاه وجود دارد و این نقش یا وظیفه عبارت از تلفیق درک و فهم فرهنگی و توجه به تعامل فرافرهنگی دانشجویان در طراحی برنامه درسی و فرآیندهای تدریس و یادگیری است. به-عبارت روشن‌تر پرورش مهارت‌ها و نگرش‌های بین‌فرهنگی در دانشجویان از طریق برنامه‌های درسی هدف اصلی این رویکرد را تشکیل می‌دهد.

اساساً سه چالش اصلی برای اقدامات مورد نظر در رویکرد حاضر وجود دارد که عبارتند از گنجاندن و لحاظ کردن خطمشی‌ها در فعالیت‌های تدریس، آموزش و به‌سازی منابع انسانی و تغییر دادن فعالیت‌های تدریس اساتید.

چالش اول عبارت است از تدوین برنامه‌های درسی که از لحاظ محتوا و روش تدریس در ارتباط با مسایل فرهنگی، جامع باشد و آگاهی چند-فرهنگی و مهارت‌های ارتباطی بین‌فرهنگی را توسعه دهد. برای تحقق این امر و مقابله با چالش ذی‌ربط می‌بایست از رویکرد گنجاندن یا

۱- دانش مورد نظر در این برنامه درسی کدام است و چگونه عمل می‌کند؟ ۲- برنامه درسی چگونه تولید شده است؟ ۳- این برنامه درسی از کجا آمده است؟ ۴- چرا ما این نوع برنامه درسی را مورد استفاده قرار می‌دهیم؟ ۵- این برنامه درسی برای من به‌عنوان مربی و استاد در رشته‌ام چه معنا و مفهومی دارد؟

ب) رویکرد موهانتی

اساساً خانم موهانتی رویکرد خود را به‌عنوان بخشی از "استراتژی تعلیم و تربیت ضدجهانی‌شدن" تدوین کرده است. او برای تمایز بین جوامع و ملت‌های ثروتمند و ممتاز و جوامع و ملت‌هایی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی در حاشیه قرار دارند، از واژه‌های شمال، جنوب و یا غربی و غیرغربی استفاده می‌کند [۲۵].

وی این رویکرد را در قالب بین‌المللی کردن برنامه درسی مطالعات زنان تدوین کرده است. او بر این باور است که دانش، سیاسی است. از این رو برای تبیین ابعاد سیاسی دانش، سه الگوی بین‌المللی شدن برنامه درسی را شناسایی کرده است. این الگوها عبارتند از:

ب - ۱: استاد به‌عنوان جهانگرد

در این‌جا، استراتژی تربیتی به‌گونه‌ای است که فرهنگ‌های غیرامریکایی - اروپایی و... به‌ویژه فعالیت‌های فرهنگی از زاویه‌ای غیر از اروپایی - محوری مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حقیقت چشم-اندازی است که در آن برداشت امریکایی - اروپایی از برنامه درسی و سرفصل‌های آن دست‌نخورده باقی می‌ماند. اما نمونه‌های غیرغربی یا فرهنگ کشورهای جنوب به‌عنوان مکمل و آن‌چه که به فرهنگ غربی افزوده می‌شود، مدنظر قرار می‌گیرد [۲۵].

این الگو شبیه رویکرد تلفیقی است. در ارتباط با تجزیه و تحلیل دانش به‌عنوان امریکایی، موهانتی بر این باور است که دانشی که چارچوب سلطه‌گرایانه غربی تولید می‌شود مبدل به هنجار نرم می‌گردد.

ب - ۲: استاد به‌عنوان کاوشگر

در این‌جا موهانتی به الگویی اشاره می‌کند که در آن مطالعات قلمرو و مطالعه در امور خارجی موضوع دانش است و اساساً تدریس و برنامه درسی درباره سایرکشورها است. فاصله و دور بودن از کشور، تعریف زیربنایی محتوای برنامه درسی در این برداشت از بین‌المللی کردن است [۲۵]. موهانتی بر این باور است که این الگو منجر به نگرش‌هایی می‌شود که درک و ارتباط بین‌فرهنگی را تقویت می‌کند.

ب - ۳: الگوی هم‌بستگی علمی یا مطالعات تطبیقی

این الگو مبتنی بر مشارکت، نقد و تغییر است. این رویکرد برنامه درسی مبتنی بر این باور است که قلمروهای محلی و جهانی با توجه به فاصله و مرز جغرافیایی تعریف نمی‌شوند، بلکه به‌طور هم‌زمان و مکمل هم وجود دارند [۲۵]. در این‌جا تأکید عمده بر تعامل، مسئولیت مشترک و علائق مشترک است. از جمله این علائق مشترک درک این مسأله است که چگونه قدرت برای تولید دانش فعالیت می‌کند. در این راستا تجربیات جهانی و محلی به‌صورت تطبیقی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

لحاظ‌کردن استفاده شود. رویکردی که سبب شود تا چشم‌انداز بین-المللی هم در روش‌های تدریس و هم در محتوا و سازمان‌دهی آن مدنظر قرار گیرد.

چالش دوم، توسعه مهارت‌ها، نگرش‌ها، دانش و ارزش‌های جدید در کارکنان است که ضرورتاً می‌بایست با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سایر فرصت‌های یادگیری دنبال شود، و چالش سوم نیز به چالش کشیدن باورها و دیدگاه‌های اساتید درباره‌ی تدریس و سازمان‌دهی آن به‌گونه‌ای که تمام دانشجویان از سراسر جهان امکان یادگیری را داشته باشند و بتوانند زمینه بین‌المللی را در مطالعات خود درک کنند و در محیط کار بین‌المللی فعالیت کنند.

۳- رویکرد دگرگون‌شونده

برخلاف رویکرد تلفیقی که در آن دانشجویان تجربیات سایرین از چشم‌اندازها و چارچوب‌های نظری سنت غربی و جهانی‌شدن را از طریق مکانیزم «لحاظ‌کردن یا گنجاندن» بین‌المللی کردن برنامه درسی مدنظر قرار می‌دهند، رویکرد دگرگون‌شونده مستلزم آن است که معلمان و دانش‌آموزان یا دانشجویان در پارادایم‌های فکری خود تغییر ایجاد کرده و کار را از چشم‌اندازهای متفاوت نژادی، فرهنگی و جنسیتی مورد توجه قرار دهند. از این رو رویکرد حاضر مستلزم نوعی درک و فهم انتقادی از پژوهش تربیتی است که دربردارنده اموری چون تعلیم و تربیت فمینیستی، انتقادی، چندفرهنگی، ضد نژادی، و پس از استعمار است در این رویکرد هم نقد مداوم فعالیت‌ها و پویایی‌های کلاس درس رسمی و هم تلاش برای خلق استراتژی‌های تربیتی جایگزین مدنظر است [۲۳].

اساساً دو الگوی متفاوت از این رویکرد تاکنون شناسایی شده است: رویکرد دیکن (Deakin) و رویکرد موهانتی (Mohanty)

الف) رویکرد دیکن

رویکرد حاضر توسط دانشگاه دیکن استرالیا اجرا شده است [۲۴]. در این رویکرد، سیاست دانشگاه مبتنی بر نوعی تفسیر کل‌گرایانه از بین-المللی کردن است. در دانشگاه دیکن، ابعاد و دیدگاه‌های بین‌فرهنگی و بین‌المللی در دروس و دوره‌ها گنجانده شده است تا از این ره‌گذر دانشجویان بتوانند در محیط‌های اجتماعی و حرفه‌ای چندفرهنگی و بین‌المللی توان فعالیت داشته باشند. در این رویکرد علاوه بر توجه به تنوع در کلاس درس، مسئولیت برنامه درسی به فراتر از این و تأکید بر یادگیری دانشجویان درباره نحوه رفتار اخلاقی در قلمرو جهانی شدن و مواجهه با تفاوت‌ها متمرکز است. در این رویکرد تأکید می‌شود که دانش اساساً موقعیتی و وابسته به زمینه‌ای است که در آن خلق می‌شود. بنابراین برنامه درسی چیزی است که دانشجو باید با آن درگیر شده و نقد کند. در چنین مواجهه‌ای است که تفاوت‌های فرهنگی بین دانشجویان و نیز دانشجویان و اساتید هویدا می‌شود و برنامه درسی را غنی‌تر می‌کند. از این رو به چالش کشیدن برنامه درسی با توجه به تفاوت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن اساس این رویکرد را تشکیل می‌دهد. سوالات راهنما در این‌جا عبارتند از:

پیشنهادهای

- ۱- هر مؤسسه‌ای باید یک نظام و پاداش داشته باشد. همان‌طور که کوتر خاطر نشان ساخته است هر دانشگاهی باید عملکرد اساتید و اعضای هیأت‌علمی را در رابطه با بین‌المللی سازی مورد ارزیابی قرار دهد و از افرادی که به‌طور موفق عمل می‌کنند تقدیر به‌عمل آورده و پاداش‌های مختلف در نظر بگیرند. تخصیص بودجه برای پژوهش در زمینه بین‌المللی سازی از جمله اقدامات است.
- ۲- هر مؤسسه باید یک مرکزی برای تدریس و یادگیری تأسیس کند تا خدمات زیر را ارائه کند:
الف) برگزاری کارگاه آموزشی و سایر فرصت‌های توسعه حرفه‌ای درخصوص مباحث بین‌المللی
ب) مواد برای کمک به بین‌المللی سازی برنامه درسی
ج) منابع مربوط به فعالیت‌های ارزشیابی تکوینی اساتید
د) و حمایت از تلاش‌ها برای بهبود محیط تدریس و یادگیری
- ۳- هر مؤسسه باید یک کمیته آموزش بین‌المللی تشکیل دهد و مدیریت این کمیته به‌طور چرخشی در بین اساتید توزیع شود تا همه آنها نسبت به بین‌المللی سازی متعهد شوند. این کمیته می‌تواند در دفتر روابط بین‌المللی دانشگاه تشکیل شود و اعضا آن شامل حداقل ۲ عضو هیأت‌علمی از هر دانشکده یا گروه آموزشی باشد. عضویت افراد می‌تواند یک‌ساله باشد و این عضویت از میزان تدریس آنها کاسته شود. از این طریق اساتید به‌تدریج از بین‌المللی سازی حمایت می‌کنند.
- ۴- اصلاح دروس موجود به نحوی که دانشجویان در معرض سایر فرهنگ‌ها و مدل‌ها قرار گیرند. از اساتید خواسته می‌شود در دروس خود به زمینه‌ها و مسائل بین‌المللی توجه کنند و از مکانیزم‌هایی چون سخنرانی‌های ویژه، ارائه موردها، پژوهش‌های دانشجویی، سخنرانان دعوت‌شده و... استفاده شود. و نیز می‌توانند هر گروه آموزشی دروس مستقل در این زمینه ارائه نمایند.
- ۵- مشخص کردن دروس اجباری برای فارغ‌التحصیلی در زمینه بین‌المللی سازی.
- ۶- ارتقای توانایی‌های زبان خارجی دانشجویان و اساتید به‌طور مداوم. حتی بهتر است برخی از دروس به زبان انگلیسی ارائه شود و از دانشجویان خواسته شود آزمون‌های زبان انگلیسی نظیر تافل، آیلس و غیره را بگذرانند.
- ۷- برگزاری مداوم نمایشگاه‌های فرهنگی بین‌المللی به‌طور سالیانه در سطح دانشگاه و حتی دانشکده‌ها.

منابع

- 1- Clifford V, Joseph C. Report of the internationalisation of the curriculum project, Melbourne, higher education development unit. **city of publication:** Monash University. 2005.
- 2- McLaren P. Critical pedagogy and predatory culture: Oppositional politics in a postmodern era. London: New York: Routledge. 1995.

- 3- Knight J. Internationalization remodeled: Definition, approaches, and rationales comparative. International Development Education Center, Ontario Institute for Studies in Education, Toronto: University of Toronto. 2004.
- 4- Haung WC, Lin YY. Connecting to the world: Curriculum and faulty internationalization of higher education in Taiwan. Hsiuping J Humanities Soci Sci. 2007;(9):76-8
- 5- Ledwith S, Seymour D. Home and away: Preparing students for multicultural management. Int J Hum Resour Manag. 2001;12(8): p
- 6- Kushigian JA. International Studies In The Next Millennium: Meeting The Challenges Of Globalization. Westport: Praeger. 1998.
- 7- Ginkel, HV. Globalization and The internationalization of higher education. opening plenary address to International Association Of Universities (IAU) Conference, Lyon, France, 2002. IAU; 2002
- 8- McLaughlin B. The monitor model: Some methodological considerations. Lang Learning. 1996;(28)309-22.
- 9- Oliva FP. Developing the curriculum. New Jersey: Pearson Prentice Hall. 2009.
- 10- Schiro MS. Curriculum Theory. Los Angeles: Sage publications; 2008.
- 11- Karseth B. Curriculum Restructuring in Higher Education : A New pedagogic Regime?. The Third Conference on Knowledge and Politics at The University of Bergen, May 2005. University of Bergen; 2005. p. 18-20.
- 12- Hewitt TW. Understanding and shaping curriculum: what we teach and why. California: Sage Publications; 2006.
- 13- Jackson PW. Conceptions of curriculum and curriculum specialists. In: Jackson PW, Editor. Handbook of research on curriculum. New York: Macmillan. 1992. p. 40.
- 14- Goodlad J, Soder R, Sirotnik K. The moral dimensions of teaching. San Francisco: Jossey-Bass; 1990.
- 15- Barrig FD. Main trends of curriculum research in Mexico. In: William FP Editor. International handbook of curriculum research. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum; 2003.
- 16- Marsh CJ, Willis G. Curriculum: Alternative approaches, ongoing issues. New Jersey: Pearson prentice Hall. **Year.**
- 17- Clifford VA. Approaching internationalisation of the curriculum for all students; "Top Down" and "Bottom Up". Paper presented at strategic approaches to internationalization of the curriculum, June 2007. Leeds Metropolitan University, UK.
- 18- Clifford VA. Engaging the disciplines in the discourse of internationalizing the curriculum. Paper presented at international consortium of educational development conference, June 2008. Salt Lake City, USA.
- 19- Hanson KH, Meyerson JW. International challenges to American colleges and universities: Looking Ahead. Phoenix. Oryx Press; 1995.
- 20- Schorman J. What really do we mean by: Internationalization?. Contemp Educ. 2000;71(4):11.
- 21- Evans R. The human side of school change. San Francisco, Ca: Jossey-Bass, Inc; 2001.
- 22- Devos A. Academic standards, internationalization and the discursive construction of the international student, Higher Educ Res Dev. 2003; 22(2):155-66.
- 23- Hooks B. Teaching community: A pedagogy of hope. New York: Routledge. 2003.
- 24- Carroll J, Appleton J. Support and guidance for international students: what is good practice? In: Jones E, Brown S, Editors. Rutledge internationalizing the university. **City of publication: publicationer name.** 2007.
- 25- Mohanty J. Current trends in higher education. California: Sage Publications. 2003